

سفری که مرز نمی شناسد!

روایت هایی از شرکت در مراسم باشکوه راه پیمایی اربعین

جامعه ۰۸

پایه پای پیاده ها

در دنیای ادبیات اربعین چه خبر است؟ **کتاب و ادبیات ۰۵**



اسباب رکود اسباب بازی داخلی

یکی از تولیدکنندگان اسباب بازی اصفهان از دلایلی می گوید که مانع شکوفایی این صنعت شده است

هرچه میزان تولید بالاتر باشد و بازار بهتری برای آن پیدا شود، سرمایه گذار بیشتر رغبت می کند ورود کند. صاحب سرمایه ترجیح می دهد در حوزه هایی مثل مس، طلا و دلار سرمایه گذاری کند. ما با ایجاد سرمایه در تولید و در کل بخش ها مشکل داریم؛ نه فقط در اسباب بازی

سید محمود فخری، مدیرعامل مجموعه تولیدکننده اسباب بازی های خلاق

اقتصاد ۰۴



چهره مقاومت

از اردوگاه الشاطی تاراس هریم مقاومت

در سالروز شهادت چهره برجسته محور مقاومت به این پرسش مهم پرداختیم که اسماعیل هنیه چگونه به یکی از مهم ترین رهبران سیاسی مقاومت فلسطین تبدیل شد؟ **۰۲**

اسماعیل هنیه صرفاً یک رهبر سیاسی فلسطینی یا یک چهره شناخته شده حماس نبود؛ او محصول یک زیست جهان تاریخی خاص به شمار می رفت؛ آوارگی فلسطینی، رشد در اردوگاه، تربیت در فضای اسلامی غزه، مشارکت در نسل نخست حماس، عبور از تجربه انتفاضه، زندان، تبعید، رهبری تشکیلاتی، ورود به قدرت از مسیر انتخابات و در نهایت تبدیل شدن به یکی از برجسته ترین نمادهای مقاومت فلسطینی در سطح منطقه ای. به عبارتی، اهمیت هنیه فقط در جایگاه تشکیلاتی او خلاصه نمی شد؛ بلکه در توانایی اش برای پیوند دادن ساحت های گوناگون مقاومت، از پایگاه اجتماعی و مشروعیت مردمی گرفته تا انسجام درون سازمانی، ارتباط با شاخه نظامی و هماهنگی با محور مقاومت معنا پیدا می کرد؛ از همین رو، ترور او صرفاً حذف یک فرد به شمار نمی رفت؛ تلاشی برای ضربه زدن به یک الگوی رهبری، یک شبکه ارتباطی و یک نماد سیاسی راهبردی در معادله های فلسطین و منطقه بود

مسعود اسداللهی، کارشناس حوزه غرب آسیا



مردم؛ ستون پنهان پیروزی

بررسی نقش تاب آوری اجتماعی در تجربه ملت هایی که جنگ های فرسایشی را پشت سر گذاشتند

فرهنگ عمومی ۰۴

دشمن هنوز دست برتر نظامی ایران را ندیده است



امام‌جمعه‌موقت‌اصفهان با اشاره به قرار گرفتن در آستانه اربعین حسینی و ورود به دهه پایانی ماه صفر اظهار کرد: همه کسانی که در تجمعات شبانه وپیاپی‌ه‌وی اربعین حضور دارند، شایسته تقدیر و تشکر هستند.حجت‌الاسلام‌سیداحمد‌محمودی جمعه نهم مرداد در خطبه‌های نماز جمعه این هفته اصفهان افزود: پیش از اربعین بسیار سؤال می‌شد که امسال در پیاده‌روی اربعین شرکت کنیم یا در تجمعات شبانه حضور داشته باشیم، اما از آنجا که می‌دانیم هر دو عرصه در یک جبهه قرار دارند، عده‌ان در همایش حسینی حضور پیدا کردند و عده‌ای نیز میدان دار تجمعات شدند.حجت‌الاسلام‌محمودی‌افزافه کرد: همایشی که پیاده‌روی اربعین دنیا را متعجب کرده است و این همایش حسینی در سال‌های اخیر خواب را از چشم دشمنان گرفته‌است. تاکنون حدود دو میلیون و ۷۰۰ هزار نفر از مرز خارج شده‌اند و عده‌ای نیز با در دست داشتن پرچم در میدان حضور پیدا کرده‌ودشمن را به زانو درآورده‌اند و دشمن نیز چشم دیدن این حضور را ندارد.او با اشاره به جنایت‌های اخیر آمریکا و همکاری عربستان گفت: جنایت‌های اخیر آمریکا با همکاری عربستان به خاطر همین حضورها بوده‌است که در این جنایت‌ها عده‌ای از حشد شعبی و تران‌ما را به شهادت رساندند و همین حضورها است که دشمن را به عصبانی کرده‌است. امام جمعه اصفهان تصریح کرد: دشمن دست به جنایت می‌زند و منازل مسکونی جزیره قشم را نیز بمباران می‌کند و این اقدامات شبیه جنایتی است که در میناب انجام داد و وقتی دشمن نمی‌تواند با نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران بجنگد، به مردم بی‌دفاع حمله می‌کند.حجت‌الاسلام‌محمودی‌تصریح کرد: از همه نیروهای مسلح که ضربات بسیار سنگینی را در این ایام به دشمن وارد کردند، تشکر می‌کنیم و دشمن باید بداند تاننیه کامل و خروج نیروهای آمریکایی کودکش، اقدامات نیروهای مسلح و تجمعات شبانه مردمی ادامه خواهد داشت. او گفت: کشورهای اسلامی و همسایگان نیز باید بدانند تا این دشمن بشریت و کودکش در منطقه حضور دارد، ناآرامی‌ها وجود دارد و باید به این موضوع توجه بیشتری داشته باشند و از دوران استقرار نظام جمهوری اسلامی درس گرفت‌باشند.

امام جمعه موقت اصفهان افزود: کشورهای اسلامی و همسایگان نباید برای امنیت خود به دشمنان انسانیت پناه ببرند؛ دشمنانی که هیچ‌گونه اخلاق و معنویت اسلامی را رعایت نمی‌کنند و حتی به قوانین نظام جهانی که خودشان ایجاد کرده‌اند نیز پایبند نیستند و تعجب می‌کنیم که چرا بعضی از کشورها به این جنایتکاران پناه می‌برند.

حجت‌الاسلام‌محمودی ادامه داد: زمندگان و ملت مقاوم ایران با حضور خود چپانیان را به راز افشاء وادار کردند و چپانیان خود اعتراف کردند که تصور نمی‌کردند آمریکا این چنین در عرصه‌های نظامی و دیپلماسی در مقابل تهران تحت فشار قرار گیرد. او با اشاره به پیام رهبر معظم انقلاب گفت: در یکی از پیام رهبر عزیزمان آمده بود که راهی جز جهاد و مقاومت در پیش رو نمانده است و به اذن خداوند این امر تحقق پیدا خواهد کرد و دشمنان، ستمگران و ظالمان از این منطقه بیرون رانده می‌شوند. امام جمعه موقت اصفهان با تأکید بر نقش مردم در تقویت روحیه نیروهای مسلح افزود: نیروهای مسلح با حمایت و حضور مردم درادگرم هستند که این چنین در مقابل دشمن ایستادی می‌کنند و حضور مردم دلگرمی آنهاست.

حجت‌الاسلام‌محمودی تصریح کرد: دست برتری نظامی خود را هنوز به دشمن نشان نداده‌ایم؛ دشمن می‌داند که انقلاب اسلامی و زمندگان به جایی رسیده‌اند که می‌توانند با آنها مقابله کنند، اما تمام قدرت خود را بلافاصله نشان نمی‌دهیم و گرچه آمریکا و اسرائیل با تمام توان خود آمد و دو کشور هسته‌ای نیز با تمام امکانات خود وارد شدند، اما راه به جایی نبردند.

او در ادامه با اشاره به اهمیت موضوع اشغال و توانمندسازی افراد گفت: کار، کارآفرینی، حرفه و مهارت‌آموزی از جمله موضوعاتی است که باید در رأس امور مورد توجه قرار گیرد. امام‌جمعه‌موقت‌اصفهان گفت: از قوه قضائیه تشکر می‌کنیم که عاملان جنایت‌های دی‌ماه به سزای اعمال خود رسیدند و امیدوارم با همین رویه با مفسدان اقتصادی نیز برخورد شود. بعضی از ناامنی‌ها مرتبط با فسادهای اقتصادی است و آنها نیز باید به سزای اعمال خود برسند.حجت‌الاسلام‌محمودی ابراز امیدواری کرد که قوه قضائیه در این زمینه با وحدت رویه عمل کند و گفت: امیدواریم قوه قضائیه با وحدت رویه به‌گونه‌ای عمل کند که مردم بدانند همان‌گونه که با افراد دارای اعمال جنبه سیاسی برخورد می‌شود، با مفسدان اقتصادی نیز برخورد خواهد شد.

از اردوگاه الشاطی تا رأس هرم مقاومت

در سال‌روز شهادت چهره برجسته مقاومت فلسطین به این پرسش مهم پرداختیم که اسماعیل هنیه چگونه به یکی از مهم‌ترین رهبران سیاسی مقاومت فلسطین تبدیل شد؟



مسعود اسداللهی

کارشناس حوزه غرب آسیا

اسماعیل هنیه صرفاً یک رهبر سیاسی فلسطینی یا یک چهره شناخته‌شده حماس نبود، بلکه او محصول یک زیست تاریخی خاص در شرایط آوارگی، رشد در اردوگاه، تربیت در فضای اسلامی غزه، مشارکت در نسل نخست حماس، عبور از تجربه انتفاضه، زندان، تبعید، رهبری تشکیلاتی، ورود به قدرت از مسیر انتخابات و در نهایت تبدیل شدن به یکی از برجسته‌ترین نمادهای مقاومت فلسطینی در سطح منطقه‌ای به شمار می‌رفت. به عبارتی اهمیت هنیه فقط در جایگاه تشکیلاتی او خلاصه نمی‌شد و در توانایی او برای پیوند دادن ساخت‌های گوناگون مقاومت، از پایگاه اجتماعی و مشروعیت مردمی گرفته تا انسجام درون سازمانی، ارتباط با شاخه نظامی، و هماهنگی با محور مقاومت معنا پیدا می‌کرد. از همین رو، ترور او صرفاً حذف یک فرد نبود و با هدف ضربه‌زدن به یک الگوی رهبری، یک شبکه ارتباطی، و یک نماد سیاسی راهبردی در معادلات فلسطین و منطقه انجام شد.

■ **هنیه؛ آوارگی و اردوگاه**
برای فهم جایگاه اسماعیل هنیه، باید از نقطه آغاز زندگی او شروع کرد: آوارگی. خانواده او اصالتاً اهل عسقلان بودند؛ شهری که در اراضی ۱۹۴۸ قرار گرفت و تحت سیطره کامل رژیم صهیونیستی درآمد. این جابه‌جایی اجباری، خانواده هنیه را به غزه و به طور مشخص به اردوگاه الشاطی کشاند؛ جایی که جدای از یک سکونتگاه فقیرانه، حافظه تاریخی فشرده از رنج، اخراج، اشغال و بی‌عدالتی بود. در چنین شرایطی، هویت سیاسی و اجتماعی فلسطینی در سطح نظری و در متن تجربه زیستی او شکل گرفت. هنیه در اردوگاهی بزرگ شد که هم‌زمان مدرسه فقر، رنج و پایداری بود و همین پیشینه، بعدها یکی از مهم‌ترین منابع مشروعیت او شد. او برخلاف برخی رهبران فلسطینی که فاصله‌ای محسوس با بستر اجتماعی خود پیدا کردند، تا سال‌ها با همان فضای اردوگاهی، همان سبک زندگی و همان منش ساده‌زیستانه شناخته می‌شد. آن هم در جامعه‌ای که مشروعیت سیاسی تا حد زیادی با رنج مشترک و زیست واقعی در متن مسئله فلسطین سنجیده می‌شود و این ویژگی برای هنیه یک سرمایه بزرگ بود.

■ **از تربیت اسلامی تا پیوستن به نسل مؤسسن حماس**
فضای غزه در دهه‌های گذشته، به ویژه پیش از شکل‌گیری حماس، بستری مهم برای رشد گرایش‌های اسلامی بود. دانشگاه اسلامی غزه نیز که بعدها در جنگ‌ها مورد حملات شدید قرار گرفت، یکی از کانون‌های اصلی تربیت نسل جدیدی از فعالان اسلامی و سیاسی فلسطین محسوب می‌شد. اسماعیل هنیه نیز از دل همین فضا بیرون آمد؛ فضایی که تلفیقی از تربیت دینی، آگاهی سیاسی و احساس مسئولیت نسبت به اشغال بود. در آن مقطع، اخوان المسلمین در فلسطین نفوذ فکری و اجتماعی داشت، اما هنوز درگیر مبارزه مسلحانه مستقیم با رژیم صهیونیستی نشده بود. برای بخشی از نسل جوان تر، این رویکرد کافی به نظر نمی‌رسید. تشکیل جهاد اسلامی فلسطین به رهبری فتحی شقافی، یکی از محرک‌های مهم برای تغییر موازنه در میان

نیروهای اسلام‌گرا بود. سید با آغاز انتفاضه اول، فضا به‌گونه‌ای تغییر کرد که گرایش به مبارزه فعال تر و سازمان یافته، به شکل‌گیری حماس انجامید. هنیه از جمله چهره‌هایی بود که در همین نسل او حماس قرار گرفت؛ نسلی که حماس را جدای از یک حزب، به مثابه پاسخی اسلامی انقلابی به اشغال و بن‌بست جریان‌های سنتی فلسطینی تعریف کرد. در اینجا اهمیت هنیه تنها در عضویت او در جایگاه نسل مؤسس تعریف نمی‌شود، بلکه تلفیقی از دانش دینی، توان خطابه، قدرت ارتباط‌گیری و قابلیت ایفای نقش سیاسی در کنار هویت مقاومتی شخصیت اوست.

■ **مرج الزهور؛ جایی که حماس منطقه‌ای شد**

یکی از مهم‌ترین نقاط عطف در زندگی هنیه و نیز در تاریخ حماس، واقعه تبعید رهبران حماس و جهاد اسلامی به مرج الزهور در زمستان ۱۹۹۲ بود. رژیم صهیونیستی گمان می‌کرد با حذف میدانی رهبران، می‌تواند موج انتفاضه و سازمان‌یابی مقاومت اسلامی را مهار کند. اما این تصمیم در عمل به یک خطای راهبردی تبدیل شد. تبعیدگاهی که صرفاً یک تبعیدگاه نبود؛ آن مکان یک میدان تماس تاریخی بود. رهبران جوان حماس و جهاد اسلامی در سخت‌ترین شرایط، با سپاه، حزب الله و شبکه مقاومت منطقه‌ای ارتباط مستقیم پیدا کردند. در دورانی که ابزارهای ارتباطی امروز وجود نداشت، این تماس مستقیم اهمیت فوق‌العاده‌ای داشت. برای نخستین بار، مقاومت فلسطینی درون سرزمین اشغالی، از نزدیک با الگوهای سازماندهی، پشتیبانی و همگرایی منطقه‌ای آشنا شد؛ و در سوی دیگر، ایران و حزب الله نیز شناخت عینی و انسانی‌تری از بافت واقعی مقاومت فلسطین پیدا کردند. برای اسماعیل هنیه، مرج الزهور یک مرحله آموزشی راهبردی نیز بود. او در آن مقطع به عنوان یک جوان، بخشی از هسته‌ای بود که بعدها ستون فقرات رهبری حماس را ساخت. پیوند‌های انسانی و تشکیلاتی که در آن دوره شکل گرفت، در سال‌های بعد به یکی از پایه‌های اصلی رابطه حماس با محور مقاومت تبدیل شد. بنابراین، اگر بخواهیم مسیر هنیه را در چارچوبی فراتر از زندگی فردی او ببینیم، باید بگوییم مرج الزهور جایی بود که او از یک فعال اسلامی فلسطینی به یک بازیگر بالقوه در شبکه بزرگ‌تر مقاومت منطقه‌ای تبدیل شد.

■ **نزدیکی به شیخ احمد یاسین و صعود در ساختار رهبری**

پس از آزادی شیخ احمد یاسین و بازگشت او به غزه، هنیه وارد مرحله‌ای تازه از فعالیت شد. ارتباط نزدیک با بنیان‌گذار معنوی و تشکیلاتی حماس، به او فرصت داد تا از سطح کادرسازی و فعالیت میدانی، به لایه‌های بالای تصمیم‌گیری نزدیک شود. انتخاب او به عنوان رئیس دفتر شیخ احمد یاسین، جدای از یک مسئولیت اداری در حماس عملاً به معنای حضور در مدار اصلی رهبری، آشنایی با سازوکار تصمیم‌سازی و کسب اعتماد سیاسی تشکیلاتی بود. پس از ترور شیخ احمد یاسین و سپس ترور عبدالعزیز رنتیسی، حماس ناچار شد ساختار رهبری خود را بازطراحی کند. به همین خاطر دوگانه رهبری داخل و خارج در این بستر شکل گرفت؛ خالد مشعل در خارج، و هنیه به تدریج در داخل به یکی از مهم‌ترین چهره‌ها تبدیل شد. نکته مهم این بود که هنیه تنها یک مدیر سیاسی نبود و به دلیل ارتباط نزدیک با بدنه اجتماعی غزه و نیز پیوندش با شاخه نظامی، از نوعی مشروعیت مضاعف برخوردار بود. همان ویژگی که بعدها او را از بسیاری دیگر از چهره‌های صرفاً دیپلماتیک یا صرفاً نظامی متمایز کرد.



اگر بخواهیم مسیر هنیه را در چارچوبی فراتر از زندگی فردی او ببینیم، باید بگوییم مرج الزهور جایی بود که او از یک فعال اسلامی فلسطینی به یک بازیگر بالقوه در شبکه بزرگ‌تر مقاومت منطقه‌ای تبدیل شد.

■ **«شهید القدس»؛ یک حمله و معنای راهبردی آن**

حضور هنیه در مراسم تنسیع سردار شهید حاج قاسم سلیمانی و استفاده او از تعبیر «شهید القدس» برای شهید سلیمانی، علاوه بر ادای احترام عاطفی، یک موضع‌گیری راهبردی و علنی بود. این موضع‌گیری در فضایی صورت گرفت که تبلیغات وسیعی برای شکاف‌انداختن میان نیروهای مقاومت، بر محور تنش‌های مذهبی و منطقه‌ای در جریان بود.

■ **ترور هنیه؛ حذف یک فرد یا ضربه به یک معماری سیاسی؟**
ترور اسماعیل هنیه را نمی‌توان صرفاً در منطق «حذف رهبران» توضیح داد. او در زمان ترور، تنها رئیس دفتر سیاسی حماس یا یک شخصیت نبود و به عنوان حلقه وصل چند سطح از قدرت و مشروعیت شناخته می‌شد. به همین دلیل، ترور او تلاشی برای ضربه‌زدن به یک «معماری سیاسی راهبردی» بود.

اگر رهبری بتواند در آن واحد با بدنه، میدان، تشکیلات و حامیان منطقه‌ای ارتباط منسجم برقرار کند، تبدیل به یک دارایی راهبردی می‌شود. به همین خاطر حذف چنین رهبری، برای دشمن، تنها یک پیروزی روانی نیست؛ بلکه تلاشی برای ایجاد اختلال در زنجیره تصمیم‌سازی، انسجام تشکیلاتی و سرمایه نمادین است. در عین حال، محل و شرایط ترور نیز واجد اهمیت بود. اگر رهبر یک جنبش مقاومت در شرایط مهمان رسمی و در فضایی مرتبط با حاکمیت یک کشور ترور شود، مسئله تنها مربوط به فلسطین یا شخصی نیست؛ بلکه به سطح حاکمیت، بازآرندگی، پیام سیاسی و نقض قواعد بین‌المللی ارتقا می‌یابد. از این منظر، این اقدام حامل یک پیام چندلایه در نمایش بی‌اعتنایی به قواعد، تلاش برای تحقیر نمادین و آزمودن سطح واکنش پدیری طرف مقابل به شمار می‌رود.



ترور هنیه را نمی‌توان صرفاً در منطق «حذف رهبران» توضیح داد. او در زمان ترور، تنها رئیس دفتر سیاسی حماس نبود و به عنوان حلقه وصل چند سطح از قدرت و مشروعیت شناخته می‌شد.

■ **۲۰۰۶؛ ورود مقاومت به صندوق رأی**

پیروزی حماس در انتخابات ۲۰۰۶ یک شوک بزرگ برای بسیاری از بازیگران داخلی و خارجی به شمار می‌رفت. این پیروزی علاوه بر جابه‌جایی یک قدرت پارلمانی، بیانگر انتقال مشروعیت از جریان‌های سنتی و فرسوده به یک نیروی مقاومت محور بود که خود را پاک‌دست، مؤمن، مبارز و مردمی معرفی می‌کرد. در واقع اسماعیل هنیه در مقام نخست‌وزیر، به چهره اجرایی این پیروزی تبدیل شد.

در این مرحله، اهمیت هنیه در آن بود که میان دو جهان متفاوت مقاومت و اداره سیاسی پل زد. بسیاری از جنبش‌های مقاومت وقتی وارد عرصه حکومت می‌شوند، یا از منطق مقاومت فاصله می‌گیرند یا در مدیریت سیاسی دچار بحران می‌شوند. هنیه اما تلاش کرد این دو ساحت را باهم نگه دارد. هرچند فشارهای خارجی، تحریم‌ها، رقابت با جنبش فتح، مداخلات منطقه‌ای و محاصره غزه اجازه ندادند یک تجربه باثبات حکمرانی شکل بگیرد، اما او توانست حماس را از یک سازمان صرفاً معارض، به یک بازیگر حکومتی مقاومتی ارتقا دهد. این مرحله برای حماس و شخص هنیه سرنوشت‌ساز بود، زیرا نشان داد مقاومت می‌تواند علاوه بر سلاح و خیابان، در صندوق رأی هم مشروعیت کسب کند. موضوعی که حساسیت اسرائیل، آمریکا و بخشی از دولت‌های عربی را نسبت به او چند برابر کرد.

■ **هنیه و هنر حفظ تعادل میان سیاست و مقاومت**
یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های هنیه، توانایی او در حفظ تعادل میان جناح سیاسی و جناح نظامی حماس بود. در بسیاری از جنبش‌ها، شکاف میان این دو جناح به بحران منجر می‌شود؛ سیاست‌ورزان به سمت مصلحت‌گرایی می‌روند و نظامیان به سمت رادیکالیسم مستقل، اما هنیه توانسته بود، دست‌کم تا حد زیادی، این دورا در یک مدار مشترک نگاه دارد.

رابطه نزدیک او با یحیی السنوار و محمد ضیف، از یک سو، و توان تحرک دیپلماتیک و رسانه‌ای اش از سوی دیگر، حماس را به سطحی از انسجام رسانده بود که در دوره‌های قبل کمتر دیده می‌شد. این انسجام، برای رژیم صهیونیستی خطرناک بود، زیرا نشان می‌داد حماس نه تنها از نظر نظامی با توانایی دارد، بلکه از نظر سیاسی نیز صاحب فرماندهی منسجم‌تری شده‌است. در همین چارچوب، هنیه به تدریج از یک رهبر صرفاً غزه‌ای به «چهره اول سیاسی فلسطین» تبدیل شد؛ شخصیتی که می‌توانست هم با بدنه اجتماعی سخن بگوید، هم با رهبران منطقه‌ای مذاکره کند و هم زبان مقاومت را در سطحی فراتر از مرزهای فلسطین نمایندگی کند.

■ **«شهید القدس»؛ یک حمله و معنای راهبردی آن**
حضور هنیه در مراسم تنسیع سردار شهید حاج قاسم سلیمانی و استفاده او از تعبیر «شهید القدس» برای شهید سلیمانی، علاوه بر ادای احترام عاطفی، یک موضع‌گیری راهبردی و علنی بود. این موضع‌گیری در فضایی صورت گرفت که تبلیغات وسیعی برای شکاف‌انداختن میان نیروهای مقاومت، بر محور تنش‌های مذهبی و منطقه‌ای در جریان بود.

در چنین فضایی، هنیه با این عبارت، هم از نقش سردار سلیمانی در حمایت از فلسطین دفاع کرد و هم عملاً پیوند حماس با محور مقاومت را به صورت آشکار با تأیید کرد. اقدامی که برای او هزینه داشت. محدودیت‌های مصر و شواحات شدن امکان بازگشتش به غزه، بخشی از همین هزینه بود. اما از منظر تحلیلی، این رخداد اهمیت دیگری هم داشت؛ هنیه نشان داد که حاضر است سرمایه سیاسی شخصی خود را برای حفظ و تحکیم یک محور راهبردی به کار بگیرد. در سیاست منطقه‌ای، چنین تصمیمی از سوی یک رهبر فلسطینی کم‌اهمیت نیست؛ زیرا او میان ملاحظات تاکتیکی و درک استراتژیک، دومی را برگزید.

■ **ترور هنیه؛ حذف یک فرد یا ضربه به یک معماری سیاسی؟**
ترور اسماعیل هنیه را نمی‌توان صرفاً در منطق «حذف رهبران» توضیح داد. او در زمان ترور، تنها رئیس دفتر سیاسی حماس یا یک شخصیت نبود و به عنوان حلقه وصل چند سطح از قدرت و مشروعیت شناخته می‌شد. به همین دلیل، ترور او تلاشی برای ضربه‌زدن به یک «معماری سیاسی راهبردی» بود.

اگر رهبری بتواند در آن واحد با بدنه، میدان، تشکیلات و حامیان منطقه‌ای ارتباط منسجم برقرار کند، تبدیل به یک دارایی راهبردی می‌شود. به همین خاطر حذف چنین رهبری، برای دشمن، تنها یک پیروزی روانی نیست؛ بلکه تلاشی برای ایجاد اختلال در زنجیره تصمیم‌سازی، انسجام تشکیلاتی و سرمایه نمادین است. در عین حال، محل و شرایط ترور نیز واجد اهمیت بود. اگر رهبر یک جنبش مقاومت در شرایط مهمان رسمی و در فضایی مرتبط با حاکمیت یک کشور ترور شود، مسئله تنها مربوط به فلسطین یا شخصی نیست؛ بلکه به سطح حاکمیت، بازآرندگی، پیام سیاسی و نقض قواعد بین‌المللی ارتقا می‌یابد. از این منظر، این اقدام حامل یک پیام چندلایه در نمایش بی‌اعتنایی به قواعد، تلاش برای تحقیر نمادین و آزمودن سطح واکنش پدیری طرف مقابل به شمار می‌رود.

سیاست روز

مذاکرات میان تهران و واشنگتن ادامه دارد



سخنگوی وزارت امور خارجه پاکستان با بیان این‌که اسلام‌آباد نهایت تلاش خود را برای بازگرداندن ایران و آمریکا به اجرای تعهدات‌شان در یادداشت تفاهم پایان جنگ به کار می‌گیرد و در این زمینه فعال است، اعلام کرد که مذاکرات میان طرفین با وجود درگیری‌های اخیر ادامه دارد. به گزارش ایسنا، طاهر اندرابی روز جمعه در نشست خبری هفتگی خود در اسلام‌آباد گفت که پاکستان به عنوان کشور میانجی در مذاکرات تهران واشنگتن از تمام تلاش‌ها با هدف تداوم توقف خصومت‌ها و ازسرگیری گفت‌وگو میان ایران و ایالات متحده استقبال می‌کند.

اظهارات اندرابی در پی موج جدیدی از تبادل آتش میان ایران و آمریکا مطرح شده‌است. این درگیری‌ها در نتیجه تداوم شرارت‌ها و تهدیدهای ارتش تروریستی آمریکا در منطقه علیه جمهوری اسلامی ایران و پاسخ قاطع نیروهای مسلح کشور به آن رخ داده‌است. طی روزهای اخیر، منابع آگاه در کشورهای میانجی، از جمله قطر، پاکستان و عمان از روند مثبت مذاکرات تنش‌زدایی و طرحی برای بازگشایی تنگه هرمز، آتش‌بس دو هفته‌ای و بازگشت به مذاکرات خیر داده بودند.

بنابر گزارش روزنامه پاکستانی نیشن؛ اندرابی افزود که پاکستان در این زمینه فعال است و به ایفای نقش خود ادامه خواهد داد. به گفته او، مذاکرات میان طرفین برای عادی‌سازی اوضاع در جریان است.

این سخنگو تصریح کرد که ما نهایت تلاش خود را برای بازگرداندن طرفین به تفاهم‌نامه اسلام‌آباد به کار می‌گیریم تا تمام موانع بر اساس روح این تفاهم‌نامه و بنیانه مشترک پاکستان و قطر در تاریخ ۲۲ ژوئن برطرف شود.

او خاطرنشان کرد که پاکستان از طرفین می‌خواهد که حداکثر خویشتنداری را به کار گیرند و به‌طور کامل به تعهد خود برای ازسرگیری مذاکرات در سطح فنی برای اجرای تفاهم‌نامه اسلام‌آباد پایبند باشند.

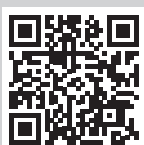
در همین راستا، اندرابی روز پنج‌شنبه نیز در جمع خبرنگاران در اسلام‌آباد گفته بود که مذاکرات میان ایران و ایالات متحده با وجود تبادل آتش میان طرفین به ویژه درباره تنگه هرمز و برای کاهش تنش‌ها در جریان است. او تأکید کرد که گفت‌وگو و دیپلماسی همچنان تنها مسیر ممکن درمان تنش‌ها و خصومت‌های جاری در غرب آسیا است.

گفتنی است، آمریکا مدت کوتاهی پس از امضای یادداشت تفاهم پایان جنگ میان تهران واشنگتن با نقض بند پنج این تفاهم‌نامه که به‌وضوح امکان بازگشایی تنگه هرمز با ترتیبات ایران را فراهم می‌کرد، تلاش کرد برای تضعیف حق حاکمیت ایران بر این آبراه به عنوان یک کشور ساحلی، کشتی‌ها را از مسیر غیرقانونی و ناامن عبور دهد. پس از پاسخ ایران و متوقف کردن این کشتی‌ها، ارتش تروریستی آمریکا اقدام به تکرار تجاوزگری علیه حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران کرد که در آن اهداف نظامی و امنیتی شامل پل‌ها، تأسیسات تصفیه آب و برج مراقبت دریایی در بنادر ایران مورد اصابت قرار گرفتند. واشنگتن همچنین محاصره دریایی غیرقانونی بنادر ایران را از سر گرفته است. پاسخ ایران به این تجاوزگری طی عملیات نصر ۲ موجب درگرفتن دور جدیدی از تنش‌های نظامی میان دو طرف شد. درگیری روزهای اخیر در ادامه عملیات نصر ۲ انجام شده‌است و نیروهای مسلح ایران در پاسخ به شرارت‌ها و جنایات اخیر ارتش تروریستی آمریکا که آخرین نمونه آن حمله وحشیانه به ناحیه‌ای مسکونی در جزیره قشم است، پایگاه‌های آمریکا در کویت و اردن را در حملات پرچم‌پهادی و موشکی در هم کوبیده‌اند.

■ **عربستان مدعی تشکیل ائتلاف دریایی در دریای سرخ شد**

وزارت دفاع عربستان از تشکیل یک ائتلاف دریایی با مشارکت چندین کشور با هدف تضمین امنیت کشتیرانی در دریای سرخ و خلیج عدن خبر داد. به گزارش ایسنا، وزارت دفاع عربستان اعلام کرد که پنجشنبه میان نشست با کشورهای بیش از ۴۰ کشور برای بحث درباره ایجاد ائتلاف دریایی جهت تضمین امنیت کشتیرانی و حفاظت از گذرگاه‌های آبی در تنگه باب المندب و دریای سرخ و خلیج عدن بود. این وزارتخانه مدعی شد، ۱۴ کشور حمایت خود را از تشکیل ائتلاف دریایی اعلام کردند که مهمترین آنها مصر، ترکیه، قطر، پاکستان، کویت، اردن و دولت عدن هستند و کشورهای دیگری نیز بعداً به این ائتلاف می‌پیوندند. این ۱۴ کشور در بیانیه مشترکی اعلام کردند: هدف این ائتلاف تقویت امنیت دریایی، حفاظت از آزادی کشتیرانی، حفظ امنیت خطوط تجارت بین‌المللی و مسیرهای انتقال انرژی و حفاظت از منافع دریایی مشترک در تنگه باب المندب، دریای سرخ و خلیج عدن است.

طبق گزارش رای الیوم، در این بیانیه آمده‌است: مشارکت در فعالیت‌ها و عملیات ائتلاف یک تصمیم حاکمیتی برای هر کشوری خواهد بود. این مشارکت تنها حمایت دفاعی دارد و هیچ‌گونه کشور یا ائتلاف سازمان بین‌المللی را هدف قرار نمی‌دهد. گفتنی است، این اقدام عربستان بعد از آن صورت گرفت که انصارالله یمن در واکنش به حملات عربستان، لغو محاصره دریایی این کشور اعلام کرد و حملاتی را علیه نفتکش‌های عربستان در دریای سرخ و زیرساخت نفتی این کشور انجام داد.



پیاپی روی اربعین در سال‌های اخیر، تبدیل به آیینی مذهبی شده که به یکی از مهم‌ترین سوره‌های ادبیات معاصر ایران به شمار می‌آید.

نویسندگان با نگاه‌ها و تجربه‌های گوناگون، این رویداد را از زاویه‌های مختلف روایت کرده‌اند؛ از سفرنامه‌ها و روایت‌های مستند گرفته تا رمان‌های بزرگسال، آثار نوجوان و کتاب‌های کودک. هریک از این آثار، بخشی از تجربه زیسته زائران، فرهنگ میزبانی مردم عراق، مفاهیم دینی و انسانی و حال و هوای منحصر به فرد این سفر را بازتاب می‌دهند. این اینفوگرافی، منتخبی از کتاب‌های منتشر شده درباره اربعین را در دو شاخه اصلی «ادبیات واقع‌گرا» و «ادبیات داستانی» معرفی می‌کند. در بخش ادبیات واقع‌گرا، سفرنامه‌ها و روایت‌ها قرار گرفته‌اند و در بخش ادبیات داستانی، رمان‌های بزرگسال، رمان‌های نوجوان و کتاب‌های کودک ارائه شده‌اند تا بتوانید در آستانه این رویداد خاطره‌انگیز و جهانی، آثاری را برای مطالعه انتخاب و تهیه کنید.

سیده نرگس
نظام الدین

دبیر گروه هنر و ادبیات



پیاپی

در دنیای ادبیات اربعین چه خبر است؟

رمان نوجوان

بچه‌های فرات

نویسنده: لیلا قربانی
ناشر: کتاب جمکران



قدم‌های سربه‌هوا

نویسنده: فاطمه شایان پویا
ناشر: کتابستان



سفرنامه

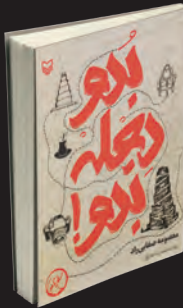
مسیل

نویسنده: زهره عیسی خانی
ناشر: کتاب جمکران



بدو دجله بدو

نویسنده: معصومه صفایی‌راد
ناشر: سوره مهر



ستون ۱۴۵۳

نویسنده: مسلم ناصری
ناشر: کتاب جمکران



مادرلند

نویسنده: فاطمه تقی‌زاده
ناشر: کتاب جمکران



از این ستون به آن ستون

نویسنده: محمدرضا وحیدزاده
ناشر: شهید کاظمی



به خدای درختان انجیر

نویسنده: محسن حسن‌زاده
ناشر: سروش



کتاب کودک

کبوتر پرتلا

نویسنده: مرضیه مرعشی
ناشر: رودآبی



نذر مخصوص

نویسنده: کلر ژوبرت
ناشر: رودآبی



ننه اربعین و ساک عجیب غریب

نویسنده: سنا ثقی
ناشر: رودآبی



روایت

پاکستان

نویسنده: احسان قائدی
ناشر: سوره مهر



موکب آمستردام

نویسنده: بهزاد دانشگر
ناشر: عهد مانا



شاه است حسین

نویسنده: علیرضا میرشکار
ناشر: سوره مهر



آمیول صلواتی

نویسنده: مهدی عجم
ناشر: شهید کاظمی



چای عراقی

نویسنده: محمدرضا شرفی خوشان
ناشر: معارف



رومی روم

نویسنده: حسین زحمتکش
ناشر: بین‌الملل



ادبیات داستانی

چهل روز عاشقانه

نویسنده: محمدرضا سنگری
ناشر: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان



باغ اسلیمی

نویسنده: بشری صاحبی
ناشر: معارف



صور

نویسنده: حسینعلی جعفری
ناشر: سروش





مهمان زیبا

شماره ۵۴۲۶

۱۰ / ۰۵ / ۱۴۰۵

شنبه

دبیر صفحه / فاطمه رجب‌زاده

ویراستار/ عذرا دینانی



فاطمه رجب‌زاده

دبیر صفحه فرهنگ عمو می

جنگ‌ها معمولاً با تصاویر میدان نبرد

شناخته می‌شوند؛ با حمله‌های نظامی، موشک‌ها، فرماندهان و خطوط درگیری. اما تجربه جنگ‌های طولانی نشان داده‌است که سرنوشت یک جنگ تنها در میدان نظامی رقم نمی‌خورد. در کنار توانایی‌های نظامی، عامل دیگری نیز وجود دارد که می‌تواند در ادامه مسیر یک جنگ نقش تعیین‌کننده داشته باشد: جامعه‌ای که پشت میدان نبرد قرار دارد. ■

جنگی که با حمله آمریکا به ایران از ۹ اسفند آغاز شد، با مجموعه‌ای از تحولات گسترده همراه بوده است: از ترور رهبر انقلاب و فرماندهان نظامی تا موشک باران شهرها و همچنین حمله به زیرساخت‌های کشور، جنگی که با وجود گذشت پنج ماه از آغازش، آینده آن همچنان روشن نیست و این احتمال وجود دارد که به یک نبرد طولانی مدت تبدیل شود، جنگی که در آن، علاوه بر توان نظامی، ظرفیت اجتماعی کشورها نیز در معرض آزمون قرار می‌گیرد؛ همان‌طور که «کارل فون کلاوزویتس»، جنگ را حاصل تعامل حکومت، ارتش و مردم می‌داند.

در چنین شرایطی، یک پرسش مطرح می‌شود: نقش مردم در یک جنگ طولانی چیست و با چه روش‌هایی می‌توانند برای تداوم کشور در شرایط بحرانی مؤثر باشند؟ تجربه جنگ‌های طولانی در جهان نشان می‌دهد که مردم در بسیاری از موارد، یکی از عناصر مهم در دوام آوردن جامعه در برابر بحران بوده‌اند. گاهی این نقش در قالب حضور مستقیم در دفاع نظامی ظاهر شده است؛ گاهی در قالب حفظ زندگی روزمره زیر بمباران و محاصره؛ گاهی در تحمل فشارهای اقتصادی و کمبودها و گاهی در حفظ انسجام اجتماعی و جلوگیری از فروپاشی نظم عمومی.

در جنگ‌های فرسایشی، هدف فقط شکست دادن نیروهای نظامی طرف مقابل نیست؛ بلکه فرسایش توان اجتماعی یک کشور نیز می‌تواند بخشی از فرایند جنگ باشد. فشار اقتصادی، ایجاد ناامنی، تخریب زیرساخت‌ها و آسیب زدن به زندگی روزمره، همگی می‌توانند با هدف کاهش توان ادامه مسیر یک جامعه انجام شوند؛ به همین دلیل، یکی از پرسش‌های مهم در مطالعات جنگ این است که چرا برخی جوامع، با وجود تحمل خسارت‌ها و فشارهای گسترده، امکان ادامه حیات و مقاومت را حفظ می‌کنند؟

برای پاسخ به این پرسش، یکی از مفاهیمی که در سال‌های اخیر در علوم اجتماعی و مطالعات بحران مورد توجه قرار گرفته، مفهوم «تاب‌آوری» است. تاب‌آوری تلاش می‌کند توضیح دهد که افراد، سازمان‌ها و جوامع چگونه در برابر فشارها و شوک‌های شدید واکنش نشان می‌دهند، چگونه خود را با شرایط جدید سازگار می‌کنند و چگونه می‌توانند بخشی از کارکردهای اصلی خود را حفظ کنند.

بر اساس ادبیات تاب‌آوری اجتماعی، یک جامعه در شرایط بحران تنها مجموعه‌ای از افراد آسیب‌دیده نیست؛ بلکه دارای ظرفیت‌هایی است که می‌تواند در مواجهه با بحران فعال شود. شبکه‌های ارتباطی میان مردم، اعتماد اجتماعی، همکاری، مشارکت و توانایی سازمان‌دهی جمعی، بخشی از همین ظرفیت‌ها هستند.

مفهوم تاب‌آوری در سال‌های اخیر به یکی از مفاهیم مهم در مطالعات بحران، مدیریت مخاطره‌ها و علوم اجتماعی تبدیل شده است. این مفهوم ابتدا در علوم فیزیکی به‌کار رفت و برای توضیح رفتار یک فنر استفاده شد؛ یعنی توانایی بازگشت پس از وارد شدن فشار. سپس در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ وارد حوزه‌های دیگری مانند بوم‌شناسی و روان‌شناسی شد. در روان‌شناسی، تاب‌آوری برای توضیح توانایی افراد در مواجهه با سختی‌ها و مشکلات به‌کار رفت؛ به این معنا که فرد در برابر خطرها دچار اختلال نمی‌شود و توانایی مواجهه سالم با مشکلات را حفظ می‌کند؛ در حوزه مدیریت و رفتار سازمانی نیز تاب‌آوری به عنوان یک فرایند مورد توجه قرار گرفت و به عنوان بخشی از مدیریت بحران و تداوم سازمانی مطرح شد. در این حوزه، تاب‌آوری به ظرفیت مردم و سیستم‌ها برای حفظ روابط و عملکردهای کارکردی در شرایط آشفتگی اشاره دارد؛ در همین راستا، حوزه تاب‌آوری شهری نیز بر این نکته تأکید دارد که یک جامعه یا شهر



تاب‌آور، جامعه‌ای نیست که هیچ آسیبی نمی‌بیند؛ بلکه جامعه‌ای است که می‌تواند پس از مواجهه با اختلال، بخشی از عملکردهای اصلی خود را حفظ کند و خود را با شرایط جدید تطبیق دهد. این مفهوم در حوزه اجتماعی ویژگی ثابت یا ذاتی یک جامعه نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از ظرفیت‌ها و فرایندهاست که در تعامل میان افراد، نهادها و ساختارهای اجتماعی شکل می‌گیرد؛ به همین دلیل، دو جامعه ممکن است با یک بحران مشابه مواجه شوند؛ اما به دلیل تفاوت در روابط اجتماعی، منابع، سازمان‌یافتگی و توان همکاری، واکنش‌های متفاوتی نشان دهند.

یکی از مؤلفه‌های مهم تاب‌آوری اجتماعی، سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی به روابط، اعتماد و شبکه‌هایی اشاره دارد که امکان همکاری میان اعضای جامعه را فراهم می‌کند. در شرایط بحرانی، وجود این روابط می‌تواند به انتقال اطلاعات، سازمان‌دهی کمک‌ها و ایجاد هماهنگی میان افراد و گروه‌ها کمک کند. جامعه‌ای که اعضای آن ارتباط و اعتماد بیشتری به یکدیگر دارند، ظرفیت مضاعف‌تری برای مواجهه جمعی با بحران خواهد داشت.

مؤلفه دیگر، ظرفیت سازمان‌دهی و اقدام جمعی است. تاب‌آوری اجتماعی صرفاً به این معنا نیست که افراد یک جامعه شرایط دشوار را تحمل کنند؛ بلکه به توانایی آن‌ها برای تبدیل شدن به کنشگران فعال در مواجهه با بحران نیز مربوط است. شکل‌گیری گروه‌های همکاری، شبکه‌های حمایتی و سازوکارهای مشارکت، ازجمله نمودهای این ظرفیت هستند؛ همچنین، توان سازگاری با شرایط جدید یکی دیگر از عناصر اصلی تاب‌آوری است. جامعه تاب‌آور لزوماً جامعه‌ای نیست که از بحران آسیب نمی‌بیند؛ بلکه جامعه‌ای است که می‌تواند پس از مواجهه با اختلال، بخشی از کارکردهای اصلی خود را حفظ کند و شیوه‌های جدیدی برای ادامه زندگی پیدا کند؛ درواقع، تاب‌آوری بر توانایی تغییر و سازگارشدن در شرایط دشوار تأکید دارد.

در برخی مطالعات، تاب‌آوری اجتماعی با مفهوم حفظ کارکردهای اساسی جامعه نیز توضیح داده می‌شود. منظور از این مفهوم آن است که یک جامعه حتی در شرایط بحران بتواند نیازهای اصلی خود، مانند ارتباطات اجتماعی، خدمات ضروری، حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر و نظم اجتماعی را تا حد امکان حفظ کند.

از این منظر، جنگ‌های طولانی یکی از مهم‌ترین موقعیت‌هایی هستند که ظرفیت تاب‌آوری اجتماعی در آن‌ها مورد آزمون قرار می‌گیرد. در جنگ، فشار فقط متوجه نیروهای نظامی نیست؛ بلکه کل جامعه با مجموعه‌ای از اختلال‌ها مواجه می‌شود. کاهش منابع، آسیب به زیرساخت‌ها، ناامنی و تغییر شرایط زندگی روزمره، می‌تواند



یکی از مهم‌ترین جلوه‌های تاب‌آوری، تغییر شیوه حرکت در شهر بود. با ازکارافتادن سیستم حمل‌ونقل عمومی، مردم مجبور شدند مسیرهای جدیدی برای رفت‌وآمد پیدا کنند



■ **سارایوو**

حفظ زندگی در چهار سال محاصره

یکی از نمونه‌های شناخته‌شده در بررسی تاب‌آوری اجتماعی در جنگ، تجربه شهر سارایوو در جنگ بوسنی است. پس از آغاز جنگ بوسنی در ۱۹۹۲، این شهر نزدیک به چهار سال در محاصره نیروهای صرب بوسنی قرار گرفت. در این دوره، حدود ۴۰۰ تا ۴۰۰ هزار نفر در شهری زندگی کردند که با حمله‌های توپخانه‌ای، تیراندازی، کمبود مواد غذایی، قطع برق و دشواری دسترسی به خدمات اساسی مواجه بود.

تحقیق‌ها نشان می‌دهد مردم سارایوو برای سازگاری با شرایط جدید، الگوهای تازه‌ای از زندگی شهری ایجاد کردند. ساختمان‌هایی که پیش از جنگ کارکردهای معمول داشتند، به پناهگاه و فضای امن تبدیل شدند. مدارس که امکان فعالیت عادی نداشتند، به محل اسکان یا پناه‌گرفتن تبدیل شدند و کلاس‌ها در آپارتمان‌ها، پناهگاه‌های زیرزمینی و راه‌پله ساختمان‌ها ادامه پیدا کرد؛ فضای سبز شهری نیز تغییر کارکرد داد و برای تأمین نیازهای جدید مورد استفاده قرارگرفت.

یکی از مهم‌ترین جلوه‌های تاب‌آوری، تغییر شیوه حرکت در شهر بود. با ازکارافتادن سیستم حمل‌ونقل عمومی، مردم مجبور شدند مسیرهای جدیدی برای رفت‌وآمد پیدا کنند. آنان با پای پیاده، دوچرخه و ابزارهای ساده‌ای مانند چرخ‌دستی، کالسکه کودک و سوزتمه، آب، چوب و وسایل ضروری را جابه‌جا می‌کردند؛ حتی مسیرهای شهر نیز دیگر بر اساس خیابان‌های معمول تعیین نمی‌شد؛ بلکه مردم مسیرهای امن‌تر را بر اساس خطر تیراندازها و نقاط پرخطر شناسایی می‌کردند.

زندگی مردم به دو فضای متفاوت تقسیم شده بود: شهر روی زمین که محل خطر دائمی بمباران و تیراندازی بود، و فضاهای زیرزمینی که به محل زندگی، خوابیدن، غذاخوردن و حتی فعالیت‌های فرهنگی تبدیل شده بود. در کنار این سازگاری‌های روزمره، ساخت «تونل سارایوو» یا «تونل امید» نیز یکی از مهم‌ترین نمادهای مقاومت شهری بود. این تونل زیر فرودگاه

مردم؛ ستون پنهان پیروزی

بررسی نقش تاب‌آوری اجتماعی در تجربه ملت‌هایی که جنگ‌های فرسایشی را پشت سر گذاشتند



■ **جنگ ایران و عراق**

جامعه در پشت جبهه

یکی دیگر از نمونه‌هایی که بیانگر عاملیت مردم در شرایط بحرانی است، جنگ ایران و عراق و حضور نیروهای مردمی در جبهه‌ها بود. پس از آغاز جنگ، علاوه بر ساختار رسمی ارتش، نیروهای داوطلب مردمی نیز وارد میدان شدند. شکل‌گیری بسیج در ۱۳۵۸ و سپس حضور گسترده نیروهای بسیجی در طول جنگ، یکی از نمونه‌های مشارکت اجتماعی در دفاع بود. این نیروها در عملیات‌های مختلف جنگ حضور داشتند و بخشی از نیروی انسانی موردنیاز جبهه‌ها را تأمین می‌کردند.

در کنار حضور مستقیم در جبهه، یکی از مهم‌ترین جلوه‌های نقش مردم، شبکه گسترده پشتیبانی مردمی از جنگ بود. در طول جنگ، بسیاری از نیازهای جبهه‌ها از طریق کمک‌های مردمی تأمین می‌شد. جمع‌آوری کمک‌های مالی و غیرنقدی، تهیه لباس و تجهیزات موردنیاز رزمندگان، ارسال مواد غذایی و فعالیت گروه‌های پشتیبانی در شهرها و روستاها، بخشی از این مشارکت اجتماعی بود. این فعالیت‌ها نشان می‌داد که جنگ فقط در خطوط مقدم جریان نداشت؛ بلکه بخش‌هایی از جامعه در پشت جبهه نیز درگیر حفظ توان ادامه جنگ بودند. یکی دیگر از نمونه‌های مهم، واکنش مردم شهرهای هدف حمله‌های موشکی و هوایی بود. شهرهایی مانند دزفول، آبادان، خرمشهر، اهواز و بسیاری از مناطق مرزی، بارها هدف حمله قرارگرفتند. در برخی از این شهرها، مردم علاوه بر تحمل خسارت‌های ناشی از حمله‌ها، در فرایند امدادرسانی، بازسازی و ادامه زندگی شهری مشارکت داشتند؛ برای مثال، دزفول در طول جنگ بارها هدف موشک باران قرار گرفت؛ اما زندگی شهری آن به‌طور کامل متوقف نشد و مردم با وجود حمله‌ها، به حفظ فعالیت‌های روزمره شهر ادامه دادند.

محاصره آبادان و مقاومت مردم این شهر نیز یکی از نمونه‌های شناخته‌شده است. پس از آغاز جنگ، آبادان در شرایط محاصره قرار گرفت و مردم این شهر در کنار نیروهای نظامی، در شرایط دشوار جنگی حضور داشتند. حفظ شهر در شرایطی که ارتباطات و امکانات محدود شده بود، یکی از نمونه‌هایی است که در مطالعات جنگ ایران و عراق به عنوان تجربه مقاومت شهری مورد توجه قرار گرفته است. نمونه دیگر، مشارکت مردم در بازسازی مناطق آسیب‌دیده بود. جنگ باعث تخریب گسترده برخی مناطق شد و پس از پایان عملیات‌ها، بازسازی شهرها و روستاهای آسیب‌دیده به یکی از مسائل اصلی تبدیل شد. مشارکت نیروهای مردمی و گروه‌های جهادی در بازسازی، ادامه همان نقش اجتماعی مردم در مواجهه با پیامدهای جنگ بود.

ساخته شد و امکان انتقال نیازهای ضروری و ارتباط شهر محاصره شده با بیرون را فراهم کرد.

■ **مالت؛ دوام آوردن زیربمباران و محاصره**

جزیره مالت در جنگ جهانی دوم یکی دیگر از نمونه‌های بررسی تاب‌آوری اجتماعی است. این جزیره به دلیل موقعیت جغرافیایی خود در دریای مدیترانه، اهمیت راهبردی داشت و از ۱۹۴۰ هدف حمله‌های شدید هوایی نیروهای محور قرار گرفت.

بمباران‌های گسترده، تخریب زیرساخت‌ها و محاصره دریایی، زندگی مردم مالت را با فشارهای فراوان مواجه کرد. کمبود مواد غذایی، محدودیت منابع و ناامنی ناشی از حمله‌ها، بخشی از تجربه روزمره مردم این جزیره بود. در چنین شرایطی، تاب‌آوری جامعه مالت در تلاش برای حفظ زندگی روزمره، ادامه خدمات ضروری و سازگارشدن با شرایط جنگی دیده می‌شود. استفاده از پناهگاه‌ها، مدیریت کمبودها و همکاری اجتماعی برای عبور از شرایط دشوار، بخشی از تجربه این جامعه در جنگ بود. اعطای «نشان جورج کراس» به مردم مالت در ۱۹۴۲ نیز بعدها به نمادی از تحمل مردم این جزیره در برابر شرایط جنگی تبدیل شد.

■ **ویتنام؛ جامعه‌ای درگیر یک جنگ طولانی**

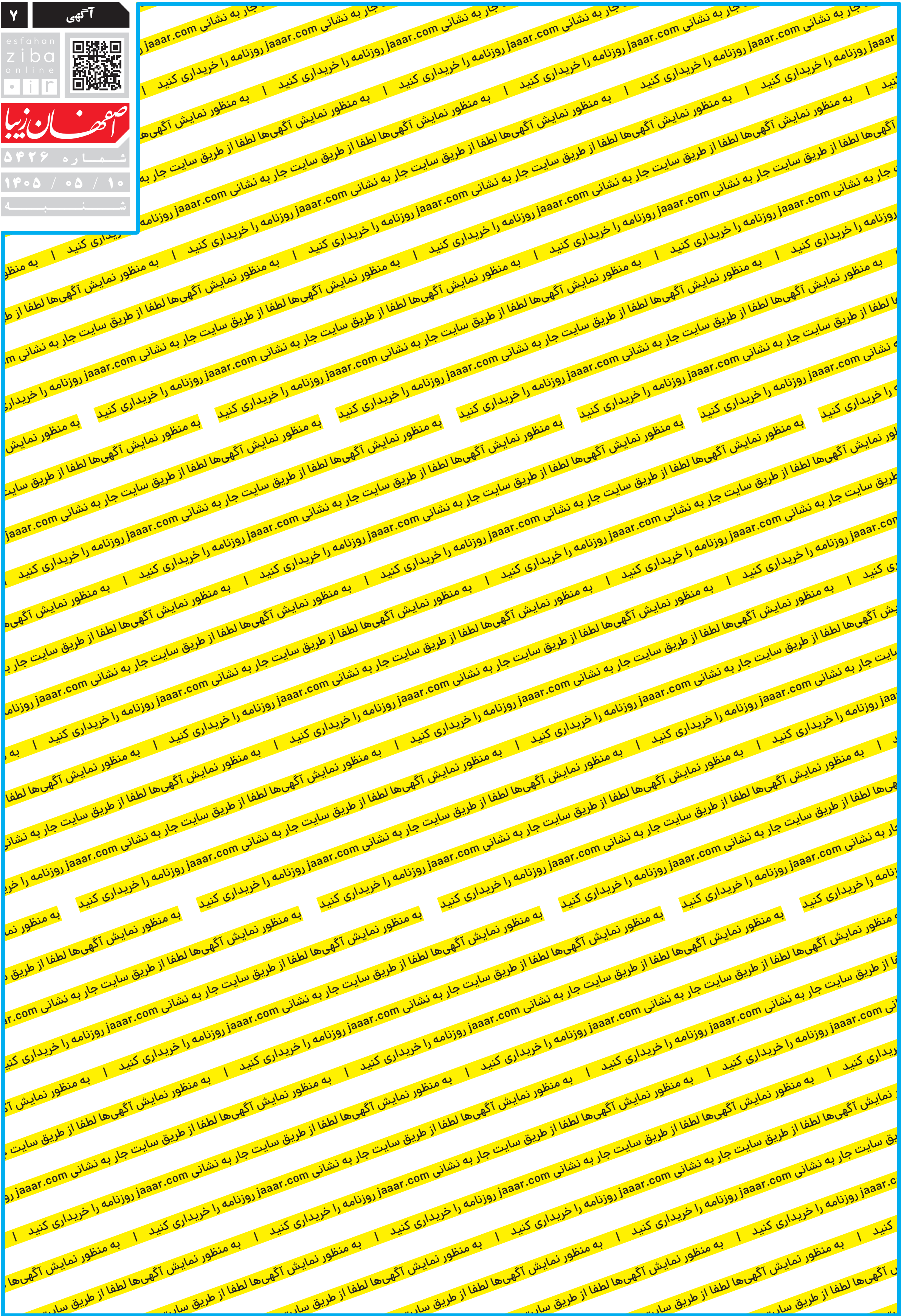
جنگ ویتنام یکی از طولانی‌ترین جنگ‌های قرن بیستم بود که در دوره‌های مختلف از دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۵ ادامه یافت. در این دوره، جامعه ویتنام با یکی از شدیدترین جنگ‌های قرن بیستم مواجه شد. جنگی که با بمباران‌های گسترده، عملیات نظامی وسیع، تخریب مناطق روستایی و فشارهای اقتصادی و اجتماعی همراه بود. یکی از ویژگی‌های مهم تجربه ویتنام، نقش گسترده مردم در ادامه روند جنگ بود. در این جنگ بخش‌هایی از مردم به شکل مستقیم یا غیرمستقیم در ساختار جنگ مشارکت کردند. این مشارکت شامل پشتیبانی لجستیکی، انتقال تجهیزات، تأمین نیازهای نیروها، ساخت و نگهداری مسیرهای ارتباطی و در مواردی، حضور مستقیم در نیروهای نظامی بود.

یکی از شناخته‌شده‌ترین نمونه‌های این مشارکت، جاده هوشی مین بود. این شبکه گسترده از مسیرهای زمینی و جنگلی، که از شمال ویتنام به مناطق جنوبی و حتی کشورهای همسایه امتداد داشت، نقش مهمی در انتقال نیرو، تجهیزات و تدارکات برای نیروهای ویتنام شمالی و ویت‌کنگ داشت. حفظ این مسیرها در شرایطی که هواپیماهای آمریکایی به‌طور گسترده آن‌ها را بمباران می‌کردند، نیازمند نیروی انسانی گسترده برای تعمیر، پنهان‌سازی و بازسازی مسیرها بود.

در کنار این شبکه، بخش‌هایی از جامعه روستایی نیز در پشتیبانی از جنگ نقش داشتند. بسیاری از فعالیت‌های پشتیبانی، مانند انتقال مواد، رساندن غذا و کمک به جابه‌جایی نیروها، توسط شبکه‌های مردمی انجام می‌شد. ویژگی مهم این مشارکت آن بود که جنگ فقط در خطوط مقدم جریان نداشت؛ بلکه به بخش‌هایی از زندگی اجتماعی مردم پیوند خورده بود. نمونه دیگر، سازگاری جامعه با بمباران‌های گسترده بود. بمباران‌های آمریکا، به‌ویژه در ویتنام شمالی، باعث تخریب زیرساخت‌ها و آسیب به شهرها و روستاها شد. در چنین شرایطی، مردم برای ادامه فعالیت‌های روزمره و حفظ توان پشتیبانی از جنگ، اقدام به ایجاد سازوکارهای جدید کردند؛ از جابه‌جایی برخی فعالیت‌ها به مناطق امن‌تر گرفته تا ساخت پناهگاه‌ها و پراکنده‌کردن مراکز تولیدی و خدماتی برای کاهش آسیب‌پذیری.

در بسیاری از مناطق، زندگی اجتماعی با شرایط جنگی سازگار شد. مدارس، فعالیت‌های اقتصادی و تولید کشاورزی با وجود فشار جنگ ادامه یافت و جامعه تلاش کرد نیازهای اساسی خود را حفظ کند. این موضوع در مطالعات مربوط به جنگ ویتنام به عنوان یکی از عوامل مهم در توانایی ویتنام شمالی برای ادامه جنگ طولانی مورد توجه قرار گرفته است.







صاحب امتیاز شرکت فرهنگی هنری مطبوعاتی پیام اصفهان زیبا مدیرمسئول دکتر علی قاسم زاده مدیرعامل سید علیرضا حسینی سردبیر محمد حسین اعترازیان

معاون بازرگانی سید محمود وحید حکیم فعال معاون اداری و مالی جواد علینقیان

هبت تحریریه فرشاد توسلی، فاطمه رجب زاده و مریم نقیان (فرهنگ و اندیشه) محسن حیدری فرد، احمد مهرکوش زهره سادات کاظمی، زهره قندهاری و سارا حقیقی (هم محله) داوود جعفری، یگانه ظاهری، مینا ایزدی و منیره سادات کاویانی (اقتصاد و سیاست) محمد حسین اعترازیان و لیلا مقیم (روایت شهر و جامعه) سیده نرگس نظام الدین (هنر و ادبیات)، زینب تاج الدین (پایداری)، جواد جلوانی (تاریخ شفاهی)، مهری مصور و مسعود افشاری (ورزش)

گرافیک علیرضا مظاهری علی نصر آزادانی و سولماز رحبی سرویسرسانا عذرا دبیانی عکس حمیدرضا نیکومرمام

چند رسانه ای سید میلاد میردامادی حسین کشکولیان و امید هاشم زاده

مجازی و شبکه های اجتماعی مهدی سروری زهراتوکلی، مانده رشوقی لیلا کهلانی، فاطمه توکلی

فناوری اطلاعات محمد کاظم کمالی

عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس گفت: کشورهای ثالث برای تأمین دارو عمدتاً شامل هندوستان، ترکیه و چین هستند. تقریباً دیگر از کشورهای اروپایی استفاده ای نداریم و عمده تعاملات در این سه کشور متمرکز است.

محمد جمالیان گفت: سال گذشته بود چه ای مصوب شد تا انبارهای دارویی به عنوان انبارهای مدیریت بحران، برای ذخیره شش ماهه دارو تکمیل شوند. در آن زمان، رهبر شهید نیز با این موضوع موافقت فرمودند و بودجه ای در اختیار قرار گرفت و این اقدام تحقق یافت. این بخش مربوط به ذخیره راهبردی دارو بود. بخش دیگر پیشنهاد ما این است که روند چرخه اقتصادی

دارو با سرعت بیشتری پیش برود.

افزود: امروز متأسفانه بیمه های ما به موقع مطالبات داروخانه ها را پرداخت نمی کنند. در نتیجه، داروخانه ها نیز قادر به تسویه حساب با شرکت های بخش نیستند و این شرکت ها نیز نمی توانند مطالبات تولیدکنندگان را به موقع بپردازند. این چرخه معیوب موجب بروز مشکل در تأمین مواد اولیه و تولید دارو می شود.

جمالیان در ادامه خاطرنشان کرد: پیشنهاد ما این است که با توجه به اارام سازمان تأمین اجتماعی به اولویت بندی پرداخت حقوق بازنشستگان که معمولاً پنهان ای برای تأخیر در پرداخت سهم دارو می شود، و نیز با عنایت به اینکه در بودجه سال ۱۴۰۵ برای بیمه سلامت اعتباری

عمده تعاملات دارویی ایران با هند، ترکیه و چین است

جهت جبران زیان های انباشته سال ۱۳۹۴ پیش بینی شده و بخشی از اوراق مربوطه نیز با پیگیری های انجام شده تحویل گردیده است، در صورت تحقق این اقدامات، بخش عمده ای از مشکلات اقتصادی که مورد گلایه تولیدکنندگان است، برطرف خواهد شد. این نماینده مجلس تصریح کرد: بخش دیگر موضوع، با توجه به تغییر نرخ ارز و افزایش قیمت دارو، کمک هایی است که وزارت اقتصاد می تواند به تولیدکنندگان دارو ارائه دهد. در این راستا، آیین نامه و دستورالعملی از سوی وزارت اقتصاد به کلیه بانک ها ابلاغ شده تا در تأمین نقدینگی تولیدکنندگان مساعدت کنند. /ایپنا



سفری که مرز نمی شناسد!

روایت هایی از شرکت در مراسم باشکوه راه پیمایی اربعین



حضور در مراسم اربعین واقعا عجیب و با شکوه است، حتی افرادی که شاید اعتقاد پر و پا قرصی ندارند نیز به خاطر ارادت و عشق به حضرت حسین (ع) در آن شرکت می کنند

برخوردار بود.

سفری خاص و به یادماندنی!

محبوبه نیز تجربه حضورش در مراسم راه پیمایی عراق را این گونه تعریف می کند: «این سفر برای من متفاوت تر و خاص تر از سایر مسافرت هایی بود که در طول عمرم رفته بودم؛ سفری که البته آسان نبود و باید زیر تیغ آفتاب قدم برمی داشتم و گرمای هوا را تحمل می کردم. شلوغی ها و ازدحام مردم باعث می شد، برای انجام خیلی از کارها ساعت ها معطل بشوم؛ اما این سفر آن قدر بار معنوی دارد که آدم ها به راحتی سختی هایش را به جان می خزند و برای رسیدن به حرم حضرت حسین (ع) گام برمی دارند.»

می گوید: «برخورد عراقی ها به عنوان میزبان نیز برای من خاطره های زیادی را بر جای گذاشت؛ برای مثال، ساعت ۱۳ بعد از ظهر در مسیر برگشت که تا چشم کار می کرد فقط بیابان بود، ماشین های که قرار بود ما را به سمت پایانه مهران ببرد، خراب شد. هوا بسیار گرم بود. در آن فضا فقط دو خانه وجود داشت و دیگر هیچ چیزی به چشم نمی آمد. دو سه نفر از هم سفری هایم با تردید به در آن خانه ها مراجعه کردند و از آن ها خواستند تا اجازه دهند تا زمانی که ماشین درست می شود، در خانه شان استراحت کنیم. خیلی عجیب بود. آن ها بلافاصله این خواسته را اجابت کردند و با آب یخ از ما پذیرایی کردند. سفره انداختند و از ما خواستند تا ناهار را آنجا صرف کنیم؛ چرا که پذیرایی از زائران امام حسین

انبوهی از خاطرات جالب و به یادماندنی تعریف می کردند.»

معصومه می گوید همین روایت ها باعث شده بود تا او هم دلش برای حضور در راه پیمایی اربعین غنج برود و تصمیم بگیرد که در آن شرکت کند؛ «تعریف هایی که بقیه از این سفر معنوی می کردند، دلم را قلقلک می داد و سوسه ام می کرد که راهی شوم. خیلی اتفاقی متوجه شدم که یکی از آشنایانم هم قرار است با ماشین شخصی به این سفر برود. خلاصه اینکه با هم هم سفر شدیم و برای اولین بار راهی کربلا شدم؛ هر چند گذرنامه ام لحظه های آخر به دستم رسید؛ لحظه هایی که فکر می کردم شاید این سفر با شکوه قسمت من نشود.»

او می گوید: «برای من خیلی جالب بود وقتی که آدم های مختلف و از اقشار متنوع را شانه به شانه هم و کنار یکدیگر می دیدم؛ انگار آنجا دیگر خبری از فاصله طبقاتی نبود؛ همه افرادی که در این سفر حضور داشتند، تنها یک هدف مشترک را دنبال می کردند و آن هم زنده نگه داشتن راه امام حسین (ع) و اهل بیتشان بود.»

برای معصومه سفر تجربه لذت بخشی بود؛ به ویژه مسیری که پیاده طی کرد؛ «سراسر راه پر بود از موبک های مختلفی که هر کدام شان خدمت خاصی به زائرین ارائه می داد؛ حتی برخی از خادمین لباس زائرها را می شستند و آن ها را ماساژ می دادند یا کفش هایشان را واکس می زدند؛ چرا که برایشان خدمت کردن به زائران امام حسین (ع) از اهمیت زیادی



لیلا مقیمی

دبیر گروه جامعه

حس و حالش با همه سفرها فرق دارد؛ سفری که آدم های مختلف با هم میزبان اعتقادی راهی آن می شوند. برای رفتن به این سفر نیاز به هزینه آن چنانی و بستن چمدان نیست؛ کافی است تنها یک کوله پشتی برداری و راهی شوی. ■

به شوق قدم های...

سفر به سمت کربلا و شرکت در مراسم راه پیمایی اربعین، حالا مرز نمی شناسد؛ بلکه این ایام که شروع می شود آدم ها از کشورهای مختلفی راهی عراق می شوند تا بتوانند به سوی این دیار گام بردارند و از شرکت در این مراسم لذت ببرند. معصومه یکی از همین افراد است که تجربه حضور در مراسم با شکوه راه پیمایی اربعین را داشته است.

می گوید سه سال پیش همراه با یکی از آشنایانش راهی شده است؛ سفری که اگرچه سختی های زیادی برایش داشته، اما او با جان و دل رنج سفر را به جان خریده و به شوق دیدن حضرت امام حسین (ع) و یارانشان در هوای گرم گام برداشته است؛ «تجربه بسیار جالب و دلچسپی بود.

چندین سال بود می دیدم خیلی از آدم هایی که دور و برم هستند، این موقع که می شود سراپا نمی شناسند و به هر نحوی که شده، راهی می شوند. بعد هم که از سفر برمی گشتند،

رصد

کاهش تولدهای تاریخ های ژند

با تولدهای تاریخ های رند به امور نظارتی محدود نمی شود، بلکه بخشنامه های متعددی به بیمارستان ها و دانشگاه های علوم پزشکی درباره پیامدهای تولد زود هنگام یا دیر هنگام ابلاغ شده است. رئیس مرکز نظارت و اعتباربخشی امور درمان وزارت بهداشت ادامه داد: بازرسی های متعددی درباره تاریخ تولد رند داشته ایم؛ به نحوی که آمار و ارقام مرتبط با این موضوع را به صورت آنلاین و آنلاین بررسی کرده ایم. در همین راستا نیز اگر پزشکان و بیمارستان ها مولفه های مرتبط با تولد نوزادان را رعایت نکنند، تذکر لازم را داده ایم و برخورد کرده ایم. او درباره تغییر روند استقبال و تقاضا برای تولد نوزاد همزمان با تاریخ های رند از سوی خانواده ها، تصریح کرد: بررسی ها بیانگر این است که تاریخ های رند آن چنان که در گذشته گفته می شد، دیگر متقاضی ندارد. بررسی آمار و ارقام زایمان تاریخ های رند با سایر روزها نشان می دهد که تفاوتی میان تاریخ رند با سایر روزهای سال وجود ندارد. به طور مثال، میزان تولدهای چهارم تیر ماه سال گذشته (۱۴۰۴/۰۴/۰۴) که تاریخی رند به حساب می آمد،



نسبت به روزهای پیش و قبل آن، حدود ۲۰ درصد نیز کاهش داشته است. حاجی میرزایی گفت: اگرچه تاریخ تولد رند در جامعه کاهش یافته اما قاعدا تا نمی توان گفت که تولد در این تاریخ ها در کشور وجود ندارد. همچنین کاهش تولد تاریخ های رند تنها به دلیل اقدامات نظارتی نیست، بلکه «آگاهی رسانی عمومی» نقش بیشتری در این موضوع دارد. زنان

برخی کمبودهای ظاهری دارویی، حاصل تجویز برندهای خاص خارجی است

رئیس سازمان غذا و دارو با اشاره به اینکه بخشی از کمبودهای دارویی اعلامی منشأ واقعی ندارد، گفت: تجویز داروهای خارج از فهرست رسمی کشور



و اصرار بر مصرف برندهای خاص خارجی، از عوامل ایجاد برخی کمبودهای ظاهری در بازار دارویی است.

مهدی پیرصالحی با تشریح دلایل برخی کمبودهای اعلام شده در حوزه دارو اظهار کرد: بخشی از آنچه به عنوان کمبود دارو مطرح می شود، ناشی از درخواست برای برندهای خاص خارجی است. در بسیاری از موارد، داروهای تولید داخل یا محصولات وارداتی با مواد اولیه معتبر در بازار موجود است، اما برخی بیماران یا تجویزکنندگان صرفاً خواهان نمونه های اروپایی یا آمریکایی هستند. در چنین شرایطی، نبود یک برند مشخص را نمی توان به معنای کمبود واقعی دارو دانست.

او با اشاره به تجویز برخی داروهای خارج از فهرست رسمی کشور افزود: قانون گذار تجویز داروهای خارج از فهرست را جز در موارد خاص مجاز ندانسته است، اما در برخی موارد داروهای بسیار جدید و گران قیمتی تجویز می شوند که حتی در کشورهای تولیدکننده نیز مطالعات مربوط به اثربخشی و ایمنی آنها هنوز به طور کامل نهایی نشده است. این موضوع نیز در شکل گیری برخی کمبودهای ظاهری در بازار دارویی مؤثر است. رئیس سازمان غذا و دارو با تأکید بر برنامه ریزی برای حفظ پایداری زنجیره تأمین دارو گفت: مسیرهای جایگزین برای واردات مواد اولیه و دارو پیش بینی شده است تا در صورت بروز محدودیت های جدید، روند تأمین کشور دچار اختلال نشود.

پیرصالحی با تأکید بر ضرورت مدیریت مصرف دارو خاطرنشان کرد: برنامه هایی برای اطلاع رسانی وضعیت کمبودهای دارویی در سامانه های نسخه نویسی الکترونیک در حال اجراست تا پزشکان هنگام تجویز، از وضعیت موجودی داروها آگاه باشند و در صورت نیاز از داروهای جایگزین استفاده کنند. /ایپنا

هیپاتیت B در ایران مهار شده است

معاون بهداشت وزیر بهداشت گفت: هیپاتیت B در کشور تقریباً به طور کامل تحت کنترل درآمده و امید می رود هیپاتیت C نیز طی دو تا سه



سال آینده به سمت ریشه کنی برود. هیپاتیت ویروسی یکی از مهمترین مشکلات سلامت عمومی در جهان به شمار می رود و هنوز هم سالانه شمار زیادی از مردم را درگیر می کند. این بیماری در گونه های مختلفی از جمله هیپاتیت A، B، C، D و E دیده می شود اما بیشترین بار بیماری و بیشترین عوارض مرمن آن مربوط به هیپاتیت B و C است.

اهمیت این بیماری فقط به مرحله ابتلا محدود نمی شود، زیرا بسیاری از مبتلایان ممکن است سال ها بدون علامت زندگی کنند و زمانی متوجه بیماری شوند که آسیب های جدی به کبد وارد شده باشد.

در چنین شرایطی خطر بروز فیبروز سیروز و حتی سرطان سلول های کبدی افزایش پیدا می کند و همین موضوع باعث شده کنترل و پیشگیری از هیپاتیت به یکی از اولویت های اصلی نظام سلامت در جهان تبدیل شود.

در ایران یکی از مهمترین دستاوردهای نظام سلامت در سال های گذشته واکسیناسیون همگانی علیه هیپاتیت B بوده است. این واکسیناسیون که از اوایل دهه هفتاد در برنامه ایمن سازی کودکان قرار گرفت توانست میزان ابتلا را در نسل های جوان به شکل چشمگیری کاهش دهد و امروز به گفته مسئولان حوزه بهداشت هیپاتیت B که با واکسن قابل پیشگیری است در کشور تقریباً به طور کامل تحت کنترل قرار گرفته است. علیرضا رئیس، معاون بهداشت وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی در رادیو سلامت بیان کرد: کارهای زیادی انجام شده و مهمترین خبر این است که در کنار واکسیناسیون کامل هیپاتیت کشور توانسته هیپاتیت B را در سطحی بسیار قابل قبول تحت کنترل درآورد.

او با اشاره به برنامه اصلی جاری در حوزه بیماری های ویروسی کبدی از هیپاتیت C به عنوان محور مهم اقدامات کنونی یاد کرد و افزود: در زمینه شناسایی غربالگری و درمان این بیماری دستاوردهای بسیار خوبی به دست آمده است. به گفته این مسئول این روند در سراسر کشور با قدرت ادامه دارد و امید زیادی وجود دارد که طی دو تا سه سال آینده ایران بتواند به سمت ریشه کنی هیپاتیت C حرکت کند.

رئیس ای تأکید کرد: شاید همه ای پیشرفت ها هنوز به اندازه کافی در فضای عمومی مطرح نشده باشد اما در عمل فعالیت های گسترده ای در این زمینه در حال انجام است و از روند کار رضایت وجود دارد. /ایپنا